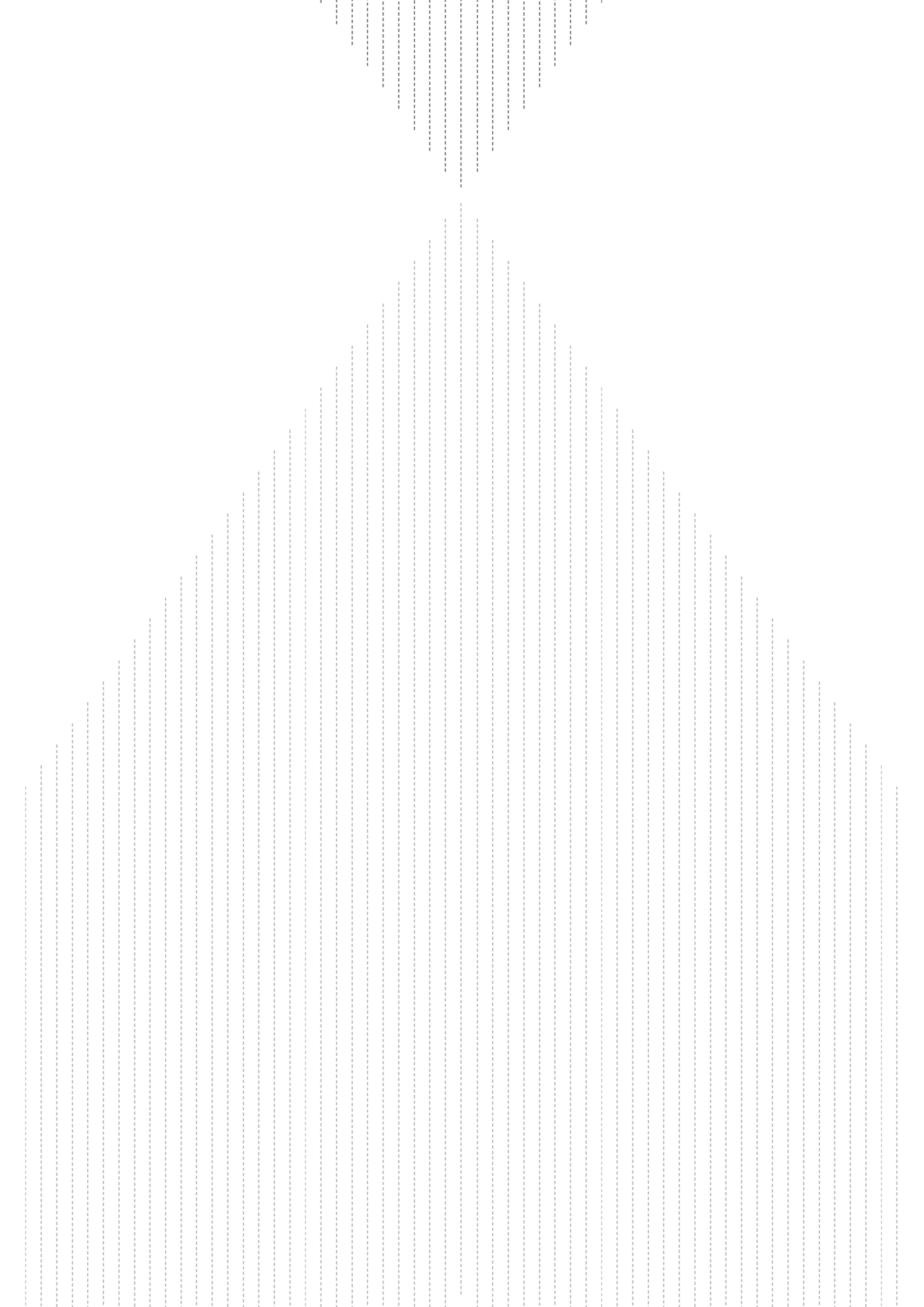


فهرست مطالب

| | |
|-----|---|
| ۷ | سخن ناشر |
| ۹ | سخن مرکز رشد |
| ۱۳ | مقدمه: چهل سالگی در بیم و امید: مانیفستی برواقع‌گرایی انقلابی |
| ۳۳ | مسئله ناامیدی، جهانی یا ایرانی؟ |
| ۴۷ | قدرت اجتماعی و مسئله ناامیدی |
| ۵۷ | ایران بیمار یا ایران سالم؟ |
| ۶۷ | چهل سالگی انقلاب و مسئله فقدان انباشت تجربه |
| ۷۵ | تهدید سرمایه؛ ماهیت، سطوح و عوامل |
| ۹۹ | درماندگی جامعه و راه‌های برون رفت |
| ۱۲۱ | خودتخریبی سیستماتیک نهادی |
| ۱۳۵ | بازاریابی خوشبختی |
| ۱۴۳ | تصمیمات سخت، گفت‌وگوی اجتماعی و بهبود حکمرانی |
| ۱۵۹ | ایران و جزیره ناشناخته افکار عمومی عرب |
| ۱۷۳ | اینستاگرام و بازتولید ناامیدی ایرانیان |
| ۱۹۱ | رسانه ما، بستر حیاتی سرمایه ما! |
| ۲۰۷ | موفقیت یا سرخوشی؟ ظرفیت سیاست سرگرمی در رسانش امید و ناامیدی |
| ۲۲۳ | امیدِ امیدسوز، امیدِ امیدساز |
| ۲۳۶ | منابع و ارجاعات |
| ۲۴۱ | نمایه |



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم. سوره مبارکه النمل / آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق علیه السلام «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری ظله العالی تعیین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را برآن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخگویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی، و تربیت اسلامی به عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش پردازد و براین باور است که علم توأم با تزکیه نفس می تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد.

از این حیث «تربیت» را می توان مقوله ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه های دانشگاه، در چهارچوب آن معنا می یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می سازد. از سوی دیگر «سیاست ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست ها در گرو انجام پژوهش های علمی و بهره مندی از نتایج آن ها است. از این منظر پیشگامان

عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است. دانشگاه امام صادق علیه السلام در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق علیه السلام را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان شاء الله)

وَلِلَّهِ الْحَمْدُ

معاونت پژوهشی دانشگاه

بسم الله الرحمن الرحيم

سخن مرکز رشد

خاستگاه مرکز رشد

بیش از سی سال از تجربه دانشگاه امام صادق علیه السلام می گذرد. این دانشگاه در اولین سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در پاسخ به نیازهای گریزناپذیر این انقلاب، به همت و مساعی بی دریغ مرحوم حضرت آیت الله مهدوی کنی رحمته الله علیه تأسیس شد. اسلامیّت نظامی که به گونه ای اسلامی تشکیل شده است، متوقف برداشتن برنامه ای برآمده از اسلام و مجریان و مسئولانی آگاه به مبانی اسلامی است؛ و بدون این دو امر، حکومت اسلامی به مرور از درون تهی شده و به سوی حکومتی که صرفاً ظواهری اسلامی دارد، حرکت خواهد کرد. بیشترین چیزی که در سال های اول از این دانشگاه انتظار می رفت، تعلیم و تربیت دانش آموختگان آشنا و مؤمن به معارف دین مبین اسلام و همچنین آگاه به علوم انسانی و اجتماعی روز دنیا بود. در سه دهه گذشته، دانش آموختگان دانشگاه امام صادق علیه السلام با توشه ای که از خرمن عالم اخلاق، فقیه و اصولی کم نظیر، مرحوم حضرت آیت الله مهدوی کنی رحمته الله علیه برچیده بودند و با تسلّطی که بر مبانی اسلامی و علوم اجتماعی یافته بودند، در بخش های مختلف کشور مشغول به خدمت شدند و سعی نمودند تا حدی نیازهای انقلاب و ایران اسلامی را برآورده کنند. با گذشت زمان و تعمیق و تفصیل نیازهای انقلاب اسلامی، از سویی،

شدت نیاز به نیروی انسانی قدری کاهش یافت و از سوی دیگر، نیاز به تولید علوم انسانی و اجتماعی متناسب با تعالیم و آموزه‌های قرآن و سنت شدت گرفت. مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی کنی رحمته‌الله‌علیه که در سیره علمی، عملی و مدیریتی خود، توجه به «نیازهای روز» جامعه اسلامی را سرلوحه مساعی خود قرار داده بودند، در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه امام صادق علیه‌السلام با مقام معظم رهبری علیه‌السلام، وزن و اهمیت بیشتری را به موضوع تولید علم و مرجعیت علمی اختصاص دادند.

آنان که دانشگاه امام صادق علیه‌السلام و دانش‌آموختگان آن را می‌شناسند، به خوبی می‌دانند که ظرفیت تربیتی و علمی این نهاد برآمده از انقلاب اسلامی بسیار بیش از دستاوردهای موجود آن است. دانشگاه امام صادق علیه‌السلام در بین دانش‌آموختگان خود، افرادی مستعد و توانمند برای پیگیری و پیشبرد مسیر طولانی و سخت علمی را تربیت می‌کند، اما این افراد، پس از دانش‌آموختگی، مسیر و جایگاهی را برای پیگیری دغدغه‌ها و به‌ثمر نشان دادن همت‌های خود نمی‌یابند. با اینکه تعداد زیادی از این دانش‌آموختگان کوشای دانشگاه، سال‌های تحصیل را در فهم علوم اسلامی و تتبع در حوزه‌های تخصصی علوم اجتماعی طی می‌کنند و در پایان‌نامه‌های پژوهشی خود، ظرفیت شخصیتی و فکری خود را برای ادامه این مسیر به اثبات می‌رسانند، با مسیرها و سازمان‌ها - اعم از علمی یا اجرایی - مواجه می‌شوند که با دغدغه‌هایی به نسبت بسیار سطحی‌تر، پاسخ‌گویی به نیازهایی دیگر را بر آن‌ها تحمیل می‌نماید.

به نظر می‌رسد همان‌گونه که پاسخ‌گویی به نیازهای دهه‌های قبل انقلاب اسلامی، چندان از طریق الگوهای دانشگاهی و حوزوی مرسوم، اثربخش و موفق نبود و مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی کنی رحمته‌الله‌علیه عمر خود را در ایجاد

الگویی جدید صرف کرد؛ پیگیری و ثمردهی نیاز به تولید علم و مرجعیت علمی نیز با تبعیت و تقلید از الگوهای قدیمی و مرسوم پژوهشی ممکن نباشد. از سویی دانش‌آموختگان دانشگاه برای تمرکز و تأمل بر نیازهای علمی کشور و تولید دانش و نرم‌افزارهای مطلوب، راهی زمان‌بر، طولانی و پریچ‌وخم پیش رو دارند؛ و از سوی دیگر، نظام اجرایی و علمی کشور، که سال‌ها از نرم‌افزارهای موجود و مرسوم غربی کپی‌برداری کرده است، به آماده‌خوری، هزینه‌نکردن و دم‌غنیمت‌شماری خو کرده است. از یک طرف، برای تولیدات و محصولات علوم انسانی اسلامی دانش‌آموختگان دانشگاه، تقاضایی وجود ندارد؛ و از طرف دیگر، برای نیازهای پیچیده و باعجله کشور، عرضه‌ای موجود نیست.

همین دغدغه، تنی چند از فرزندان مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی رحمته‌الله‌علیه را بر آن داشته است تا با طراحی مرکزی - موسوم به مرکز رشد - گامی در مسیر حلّ این چالش بردارند. مرکز رشد، هم برای حلّ معضلات پیش‌گفته و هم به منظور ابتناء بر اندیشه‌های تربیتی و مدیریتی اسلام، لازم بوده است تا الگوهای جدید سازمانی و تعامل علمی و تربیتی را طراحی و اجرا نماید که این مجمل مجال بسط و تشریح آن نیست. مرکز رشد دانشگاه امام صادق‌علیه‌السلام، برای پاسخ‌گویی به نیازهای پیش‌گفته در علوم انسانی و اجتماعی، راهی جز تربیت، حفظ و معرفی «نظریه پردازان» علوم انسانی و اجتماعی اسلامی سراغ ندارد و این تربیت، حفظ و معرفی را چیزی بسیار بالاتر و متعالی‌تر از حمایت‌ها یا استخدام‌ها یا پروژه‌های پژوهشی مرسوم می‌شمارد.

کتاب حاضر ثمره نظریه‌پردازان جوان مرکز رشد دانشگاه امام صادق‌علیه‌السلام است. با گذر بیش از چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی، تحلیل‌گران

هسته مطالعات افکار عمومی و تغییرات اجتماعی به همراه دکتر سید مجید امامی عضو محترم هیأت علمی دانشکده فرهنگ و ارتباطات و استاد هادی این هسته به بررسی و کنکاش سرمایه اجتماعی جمهوری اسلامی پرداخته‌اند. آن چنان که پژوهشگران اذعان داشته‌اند چهل سالگی سن پختگی است و می‌توان با مرور تجربه‌های این مدت به بررسی آسیب‌ها و نقاط قوت به دست آمده در این چهل سال پرداخت و به چارچوبی تئوریک برای تحلیل و نظریه‌پردازی در حوزه سرمایه اجتماعی جمهوری اسلامی رسید. مؤلفین اثر تلاش کرده‌اند ایده‌ها و دیدگاه‌های موافق و مخالف را بدون نقد سریع و سطحی تحلیل‌های فوق به بوته تبیین بگذارند و نهایتاً با ارائه نگاهی جامع به همه دیدگاه‌های مطروحه در مسئله سرمایه اجتماعی جمهوری اسلامی مخاطبان را با جریان‌ات و تفکرهای موجود آشنا کند. نگاهی انتقادی به تفکرات فوق در کنار طرح خود دیدگاه از جذابیت‌های دیگر این کتاب است.

مقدمه:

چهل سالگی در بیم و امید:
مانیفستی بر واقع گرایی انقلابی

«توصیه من امید و نگاه خوش بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیّت‌های عینی است. این جانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام، اما خود و همه را از نومیدی بی‌جا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر می‌دارم... سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتّی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیّت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسّنات بزرگ، برنامه همیشگی هزاران رسانه صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البتّه دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین وریشه‌ای‌ترین جهاد شما است.»

(بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

۱. انقلاب اسلامی ایران در اوج تلاطم و تحول، چهل ساله شد. نهضتی که خیلی زود توانست با تنظیم و اجماع بریک قانون اساسی پیشرفته و پر ظرفیت، استقرار نهادی بیابد و در خدمت نیازها، آرزوها و آینده جامعه ایران و بلکه جوامع همسوقرار گیرد. در مقطع چهل سالگی بزرگ‌ترین و پربسامدترین انقلاب نیمه دوم قرن بیستم؛ که رشته‌های متعددی از جریان‌ها و حتی نظم سیاسی استراتژیک در منطقه و حتی جهان معاصر باز تولید نمود، دورویکرد ظاهراً متعارض در داخل جامعه ایران به چشم می‌خورند. این دورویکرد بسان دولبه قیچی سیاست، سرمایه اجتماعی گران سنگ نظام را پاره و رشته‌های باقی مانده امر اجتماعی ما را پنبه می‌کند، آینده را بدتر از امروز و امروز را بدتر از گذشته می‌نمایاند. یک رویکرد بدبینی، بحران‌انگاری و خودتخریبی است که نظام اجتماعی و سیاسی را در معرض فروپاشی قریب الوقوع می‌بیند. همه راه‌ها را بسته و انبان تجربه و توفیق چهل ساله ما را خالی می‌انگارد؛ لجوجانه خطاهای غیرسیستمیک را بازگو می‌کند^۲، تجربه اقتصادی، توفیق سیاسی-منطقه‌ای و تعهد ایدئولوژیک انقلاب اسلامی را از پشت لنز غبارآلود نارسایی، نارضایتی و ناکارآمدی‌های سازمانی و نهادی می‌بیند که طبعاً چیزی برای گفتن و دل بستن باقی نمی‌ماند^۳. رویکرد دوم، که

۱. امروز یک جریانی در داخل کشور و خارج کشور وجود دارد برای دمیدن روح یأس به جای دمیدن روح امید (۱۳۹۸/۳/۸)

۲. گاهی روی یک مشکل خاص که چندان هم مهم نیست مدام تکیه می‌کنیم، مدام تکرار می‌کنیم، مدام می‌گوییم، مدام مرثیه‌خوانی می‌کنیم، امید در دل جوان فرو می‌نشیند، امید کم فروغ می‌شود در دل جوان‌ها؛ این غلط است. (۱۳۹۸/۷/۱۷)

۳. در آستانه چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی و با آشکار شدن عدم موفقیت کامل برجام در تحقق وعده‌های دولت وقت، مبنی بر رونق و رفع تحریم‌ها، بخشی از روشنفکران سیاسی

آسیب‌شناسی آن کمتر مورد توجه و تقریر قرار گرفته است، خوش‌بینی، محافظه‌کاری، کتمان فقر و فساد و تبعیض باقی مانده از «میراث نااجتماعی توسعه»^۱، دولت رانتی و چالش‌های دین و دولت، نادیدن عارضه‌ها و امراضِ درون است. این رویکرد که ناخواسته، خستگان و معترضان به وضع موجود را به صف معاندان و برگشتگان می‌کشد، بعضاً تنها موضع و مأموریت وفاداران به نظام و انقلاب انگاشته می‌شود و در توافقی نانوشته و اپیدمیک، به گفتار تکراری و خسته‌کننده رسانه‌های سنتی و جمعی وفاداران و دلبستگان بدل می‌گردد. حتی گاهی شرط دغدغه‌مند بودن و وفادار بودن، این ریتوریک مطلقاً حامیانه است و اعتراض و نقد نسبت به فاسد یا نارس بودن برخی میوه‌های این درخت تنومند را بر نمی‌تابد و حتی خودسانسوری می‌کند. در این شرایط «انسان انقلابی» می‌شود مؤید و حامی و تثبیت‌کننده وضع موجود و دیگری او، منتقدان و مخالفان، صف منتقدان و مخالفان یکی می‌شود و از آن سو هم منتقد، مخالف نظام را در هویت‌یابی‌اش دخیل می‌بیند. انگار در این نظام موفق و مقدس قرار نیست کسی متعهد به اصل، مؤمن به آینده و منتقد و مخالف وضع موجود باشد. لذا در مسیری پیچیده؛ که تحولات دهه ۸۰ و ۹۰ ذیل توسعه سیاسی (و مدعای جامعه مدنی) یا

و نیز اجتماعی، تحلیل‌های متنابهی در خصوص فروپاشی اجتماعی در ایران بواسطه کاهش سهم‌گین سرمایه اجتماعی و شاخص امید به آینده (خصوصاً با توجه به نتایج پیمایش ملی سرمایه اجتماعی در سال ۹۲ و نیز تداوم فروکاهشی سنجه‌ها تا سال ۹۷) ارائه کردند. در مقابل برخی آنان را متهم به نفوذ و یأس و گفتار متعارض آنان را واهی و تخریب نظام قلمداد کرده و برخی از منظر نظریه اجتماعی جامعه ایران و ماهیت انقلاب اسلامی، به نقد آنان برخاستند.

۱. ن ک به: باقری، یاسر (۱۳۹۹)، نظام نااجتماعی؛ مناسبات قدرت و سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران پسا انقلاب، تهران: نشرنی.

جنبش اجتماعی هم آن را تشدید کرد، ما به تقلیل در مشارکت سیاسی و مهم‌تر از آن در اعوجاج در پنداشت و ادراک از واقعیت سیاسی نظام، نزد مردم خصوصاً طبقات متوسط و بالاتر رسیده‌ایم.

۲. اگر دقیق‌تر وارد شویم باید گفت در بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی چون رضایت، اعتماد، امنیت و امید، امید نقش ظرفیت‌ساز و فعال‌کننده را دارد در واقع هر میزانی از سایر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، اگر در امید ضرب شود، به ظهور می‌رسد و اراده اجتماعی را به تحقق می‌رساند. فارغ از امید ستیزان و بحران‌انگاران و مخربان سرمایه اجتماعی، دو نوع امید و دو طرح از آن را باید از هم جدا کرد. امیدِ امیدساز و امیدِ امیدسوز. امیدسوزی برخی امیدواران ناشی از عدم واقع‌بینی و ادراک انتقادی از فاصله وضع موجود تا وضع مطلوب است. البته رهبران عالی به میزانی که مرجع و الگوی آرمان‌های مشترک‌اند، باید بر وجه ایجابی و ایده‌آلیزه یک نظام و نظریه تأکید نمایند اما در سطوح پایین‌تر، امید بدون پشتوانه و غیرمستند به پیش و پس حرکت، واگرایی می‌آفریند، بین منتقدان یا محرومان درگیر در وضع موجود و پشتیبانانِ مطلق این وضع، شکاف می‌آفریند و امکان ترسیم آینده را محدودتر می‌سازد. وقتی کم‌امیدان یا ناامیدان «آینده» واقعی، ممکن و ذاتاً متفاوت (از امروز) را حتی از عینک پشتیبانان و سمپات‌ها نمی‌بینند، به مصداق «ناگهان سرکنگبین صفرا فزود»؛ ناامیدتر می‌شوند و اینجاست که امیدسوزی رخ می‌دهد. اما امیدِ امیدساز، به توان و کارنامه قبلی؛ مسئولانه و به فاصله پیش رو، منتقدانه می‌نگرد. این مسئولیت و این انتقاد، در سیره و بیان امیدسازان عجین و توأمان شده و از هم جدا نمی‌شود. امیدسازی رهبر معظم انقلاب خصوصاً در بیانات و مواضع سال‌های اخیر (۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹) تنها محدود به «توصیف دستاوردها»

و «تأکید بر مشروعیت نظام» نبوده بلکه اراده‌گرایی تأکید بر تغییر ریل مدیریت کشور بسوی مدیریت جهادی آن هم با عاملیت جوان مؤمن انقلابی، تجویز مطالبه‌گرایی و عدالت‌طلبی اصولی^۱، تأکید بر وجوب و ضرورت امید در نسل جوان که عملاً در تهدید بیشتری است^۲، تأکید بر رویش‌ها در کنار ریزش‌ها، خودآگاهی نسبت به منابع طبیعی و انسانی

۱. مطالبه طبعاً با نوعی اعتراض همراه است. خب، بله مطالبه به معنای این است که یک نقصی وجود دارد و ما می‌خواهیم رفع آن نقص را مطالبه کنیم - طبعاً مطالبه این است - بنابراین با اعتراض همراه است؛ نگذارید این مطالبه شما و اعتراض شما اعتراض به نظام اسلامی تلقی بشود؛ این مهم است؛ دشمن منتظر این است. گاهی اوقات ممکن است شما فرض کنید به مسئله بورس - من باب مثال - اعتراض دارید یا مثلاً به مسئله پراید اعتراض دارید، اعتراض را ذکر میکنید؛ [اما] دشمن از نحوه اعتراض شما اعتراض به نظام را تلقی می‌کند یا القا می‌کند که این اعتراض به نظام بود؛ این را نگذارید؛ این را جداً مانع بشوید و نگذارید که دشمن چنین فرصتی پیدا کند که از مطالبه شما، از اعتراض شما یک چنین تلقی‌ای به دست بیاورد یا چنین تلقی‌ای را بتواند به مخاطب القا کند. نکته دوم اینکه پرچم مطالبه‌گری را اگر شما در دست داشته باشید، خوب است؛ [اما] اگر شما این پرچم را زمین گذاشتید، کسانی ممکن است این پرچم را بردارند که هدفشان رفع مشکلات مردم نیست؛ [بلکه] هدفشان معارضة و مبارزه با اسلام و با جمهوری اسلامی و با نظام اسلامی است؛ این را نگذارید؛ یعنی این باید ائتلاف نیافتد. البته جریان چپ مارکسیستی که همیشه دنبال این مسائل بوده امروز در دنیا آبرویی ندارد؛ این جریان چپ مارکسیستی دچار فقر شدیدند؛ هم از لحاظ اندیشه‌ورزی به قول خودشان، از لحاظ تئوری واقعاً ضعیف‌اند و حرف‌گفتنی‌ای ندارند، هم از لحاظ سیاسی؛ (۱۳۹۹/۲/۲۸)

۲. من ... با ناامید شدن بشدت مخالفم...؛ در مقابل مشکلات اگر بنا بود ناامید بشویم، آن نسل‌های قبل از شما اصلاً حرکت‌شان متوقف می‌شد و ما امروز باز در همان دوران طاغوت و انجماد و عقب‌ماندگی وابستگی و فساد بودیم. ناامید نباید شد؛ هیچ چیزی برای شمای جوان موجب ناامیدی نباید بشود. این کشور هم همان کشوری است که از یک وضع بشدت تأسف بار به اینجا رسیده که شمای جوان ... می‌توانید نخبه بشوید، می‌توانید به قول خودتان برچسب نخبگی به خودتان بزنید! ... کشور به اینجا رسیده؛ این را قدر بدانید. و ناامیدی سم است؛ این را بدانید. هیچ بهانه‌ای مجوز ناامیدی نمی‌شود. (۱۳۹۸/۵/۱۶)

و تاریخی کشور، بصیرت نسبت به پیچ تاریخی دنیای موجود، تأکید بر عدم تحقق آرمان‌ها خصوصاً عدالت، درس آموزی از خطاهای سیاستی، جذب حداکثری و آزاداندیشی و دعوت از مخالفان نظام جهت کمک به بالندگی حرکت و موفقیت‌های ملی، معمولاً حاوی دلالت‌های انتقادی واقع‌بینانه‌ای است که بخش مهمی از مخاطبان را نسبت به آینده امیدوار می‌سازد. مهم‌تر آنجاست که نخبگان و مسئولان و نمایندگان و ناطقان فعال در سطحی پایین‌تر از سطح عالی ایشان^۱، حتماً باید در همین امتداد، تقید بیشتر به «با هم بینی» نیمه خالی و پرلیوان داشته باشند، و این خطای سنتی هدایت افکار عمومی در ایران که: اگر نارسایی‌ها یا خطاها اعلام شود، صف مردم از نظام جدا می‌شود را کنار بگذارند؛ حال آنکه ما معمولاً در این سطوح، نوعی محافظه‌کاری و کلی‌گویی نسبت به کارنامه چهل سال اول و وضع موجود، می‌بینیم و این نقطه امیدسوزی است. البته بحران‌انگاران و ناظرانی که با توهم فروپاشی سر می‌کنند هم به نوعی در افول امید به آینده نقش داشته و دارند لیکن سخن با گروهی است که ناخواسته بر این آتش می‌دمند.

۳. این اثر راه برون‌رفت از این چالش مهم «روان‌شناسی سیاسی، گفتمانی و اجتماعی جامعه ایران» در نسبت با جمهوری اسلامی ایران را رویکرد سوم می‌داند که آن را واقع‌گرایی انقلابی می‌نامد. واقع‌گرایی انقلابی اصالت را به اراده و عزم و حرکت ملی می‌دهد^۲. در این نگاه، ما هر کجای

۱. مثلاً نمایندگان رهبری در استان‌ها و سازمان‌ها، رسانه‌های رسمی، روشنفکران و نخبگان انقلابی و...

۲. در آن دوگانه امیدواری و نومیدی [از دوگانه‌های مواجهه با حوادث]، دچار نومیدی هم نباید بشویم: لا تَأْيِسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْيِسُ مِنَ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ - که در سوره یوسف

راه که باشیم، اگر حرکت کنیم و راه بیافتیم، رسیده ایم اما اگر حتی یک گام هم مانده به هدف باشیم، و مبتلا به نخوت و رخوت و توقف شویم، نخواهیم رسید و فرو می افتیم. هیچ ملتی بدون امید به روزگار بهتر و اعتماد به نفس تحول نیافریده است.^۱ این حقیقت توحیدی که «ان الله لا یغیروا ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم»^۲، سرمشق فرهنگ سیاسی نوین انقلاب اسلامی و رهبران آن برای جامعه ایران بود و امروز بیش از هر زمان دیگر لزوم احیا و از سرگیری این سرمشق احساس می شود. ذیل این اصل، فروع مختلفی «امکان» پیدا می کند. بحران ها و مسائل موجود، فاصله ما با آرمان و مطلوبیت ها، محدودیت های طبیعی، محیطی و کشورداری، تغییر و جولان نگرش ها و برداشت ها از آرمان و هدف و البته راه حل های

است- این مربوط به مسائل دنیایی است؛ «لا تَایَسُوا مِن رَّوْحِ اللَّهِ» مربوط به مسائل معنوی نیست، مربوط به پیدا کردن یوسف است: یا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِن یُوسُفَ وَ اَخِيهِ وَ لَا تَایَسُوا مِن رَّوْحِ اللَّهِ؛ «لا تَایَسُوا مِن رَّوْحِ اللَّهِ» در پیدا کردن یوسف، که یک امر دنیایی است. پس بنابراین، این «لا تَایَسُوا مِن رَّوْحِ اللَّهِ» یک امر کلی است در امور دنیایی. البته در امور اخروی هم همین جور است اما آیه در مورد امور دنیایی است. لا تَایَسُوا! چرا انسان مأیوس باشد؟ نخیر، ما امیدواریم که بتوانیم بینی این قدرت های مستکبر را به خاک بمالیم و رغم آنفشان کنیم؛ می توانیم این کار را [بکنیم]، امیدواریم؛ [اگر] تلاش کنیم، همت کنیم، بخواهیم، به خدا توکل کنیم، از خدا بخواهیم، می شود. (۱۳۹۷/۱۲/۲۳)

۱. نگاهتان به آینده، نگاه بدبینانه نباشد؛ نگاه امیدوارانه باشد، نه نگاه نومیدانه. اگر نگاه نومیدانه شد، نگاه بدبینانه شد، نگاه «چه فایده ای دارد» شد، به دنبالش بی عملی، به دنبالش بی تحرکی، به دنبالش انزواء است؛ مطلقاً دیگر حرکتی وجود نخواهد داشت؛ همانی است که دشمن می خواهد (۱۳۸۸/۶/۴)

۲. سوره رعد آیه ۲۳

فراوان هر گره^۱، فرصت‌ها، سرمایه‌های انسانی^۲، تبادل و یادگیری تمدنی

۱. مطالبه‌گری فقط انتقاد نیست، مطالبه‌گری فقط اعتراض نیست، اگر چه در آن، اعتراض هم وجود دارد. انتقاد در کنار پیشنهاد؛ امروز البته پیشنهادهایی شد، خوب هم هست، بعضی از این پیشنهادها، پیشنهادهای قابل قبولی است، بعضی هم قابل بررسی است، لکن مجموعه جوانی که این سخن را می‌شنوند و در این عرصه‌ها فعال هستند توجه کنند اینکه ما صرفاً انتقاد کنیم، صرفاً اعتراض کنیم، این کار را پیش نمی‌برد، این مطلقاً فایده جدی و ماندگاری ندارد؛ حالا ممکن است یک فواید کوچکی اول کار داشته باشد؛ آنچه فایده دارد عبارت است از پیشنهاد. ببینید در اسلام هم نهی از منکر با امر به معروف همراه است، نهی از منکر همان اعتراض است، امر به معروف یعنی پیشنهاد، ارائه راه‌حل، ارائه کاری که باید انجام بگیرد و می‌تواند انجام بگیرد؛ این‌ها با هم هستند؛ بنابراین مطالبه‌گری را حتماً با ارائه راه‌حل و دادن راه‌حل‌های خوب و قابل قبول همراه کنید. و ضمناً مطالبه‌گری را با پرخاش و بدگویی هم همراه نکنید؛ خواهش من این است. البته شما امروز خیلی خوب، محترمانه با بنده صحبت کردید، خیلی متشکرم. من البته سابق‌ها، چه در دوران ریاست جمهوری چه حتی قبل از ریاست جمهوری که دانشگاه می‌رفتم، گاهی اوقات با برخوردهای پرخاشگر هم مواجه می‌شدم و اهمیتی برایم نداشت، یعنی من با آن برخوردها هم می‌توانستم کنار بیایم و بالاخره در مصاف بین این حقیر که آنجا روی سکو نشسته بودم و آن جمعی که انتقاد می‌کردند، آن که مغلوب می‌شد بنده نبودم (۱۳۹۹/۲/۲۸).

۲. ما به موقعیت کشور اگر بخواهیم از این زاویه دید نگاه کنیم، باید اعتراف کنیم و قبول بکنیم که ظرفیت کشور برای مواجهه با دشمن - چه در زمینه مسائل نظامی، چه در زمینه علمی، چه در زمینه مسائل اجتماعی، چه در زمینه مسائل فرهنگی و غیره - ظرفیت بسیار بالایی است و ما راحت می‌توانیم با این جبهه مواجهه و مقابله کنیم و براو پیروز بشویم؛ یعنی این امید به پیروزی یک امید موهومی نیست، یک امید متکی به این واقعیت روشن است. یک زاویه دید دیگر هم وجود دارد و آن احساس قدرت و عزتی است که در کشور نهادینه شده، که این خیلی چیز مهمی است؛ یعنی در کشور یک احساس نهادینه شده‌ای در عموم تقریباً وجود دارد. حالا بعضی‌ها منفی‌بافی می‌کنند و ضعف‌هایی را که در وجود خودشان هست، به کشور، به جامعه، به نظام جمهوری اسلامی نسبت می‌دهند لکن واقعیت قضیه این است که خوشبختانه در کشور یک احساس عمومی عمیقی وجود دارد و آن، احساس عزت و قدرت است (۱۳۹۹/۲/۲۸).

و تاریخی^۱، فرصت‌ها و امدادهای تاریخی و... در این رویکرد با هم نگریسته می‌شود. واقع‌گرایی انقلابی، بین گام نخست و گام دوم بشدت تفاوت قائل است هرچند همواره تداوم و ترتب را می‌فهمد. درونی‌سازی این تفاوت مساوی است با خروج از چاه ویل محافظه‌کاری و احتراز از فانتزیک کردن وضع موجود و به نظر می‌آید علیرغم مقاومت‌هایی، نظام جمهوری اسلامی، پویایی سیاسی‌اش را در واقع‌گرایی انقلابی منسوبان و حامیان خود و سپس همه مردم می‌داند. در همین راستا ناامیدان و ناامیدی‌ها نقد و قوه مقاومت حوزه عمومی و افکار عمومی در برابر چالش‌های فراگیر، احیا می‌شود.

۴. جهاد امید در مقابل ترور امید! رمز ورود به گام دوم انقلاب اسلامی مردم ایران و شرط بقاء گام نخست آن است. برای تخریب سازمان امید اجتماعی ایرانیان «جنگ تحریف» به موازات عملیات فلج‌کننده تحریم (که سازمان اقتصادی ما را هدف گرفت) در دستور کار قدرت‌های بزرگ قرار گرفت. پیچیده‌ترین تکنیک‌های جنگ هیبریدی و تروریزم روانی برای نفی راه آمده و انعدام افق پیش رو توسط رسانه‌ها خصوصاً در شبکه‌های اجتماعی محقق شده است. اما این یک سوی ماجراست.

۱. همه چیز ما را به «امید» تشویق می‌کند؛ همه چیز ما را به «اعتماد به خودمان» تشویق می‌کند. چرا امیدوار نباشیم؟ مایی که یک روز در فشار دو ابرقدرت - ابرقدرت امریکا و شوروی سابق - توانستیم خودمان را نگه‌داریم و بالا بکشیم، مایی که با محاصره اقتصادی در طول این سال‌های متمادی - که هر زمانی به نحوی محاصره اقتصادی وجود داشته - توانستیم خودمان را به این رتبه از فناوری و علم برسانیم و بخشی از این خلأها و شکاف‌ها را پُر کنیم، چرا به خودمان امیدوار نباشیم؟ چرا به ملت‌مان اعتماد نداشته باشیم؟ تاریخ و سرگذشت ما، امید و اعتماد را به ما املاء می‌کند؛ ما را وادار می‌کند که امیدوار باشیم. بله، امیدواریم؛ ما می‌توانیم؛ توانستیم (۱۳۸۴/۱۰/۱۹).

ناتدبیری‌ها و ناکارآمدی‌های عینی و طبیعی حرکت ملی، منطقه‌ای و جهانی انقلاب ما؛ خصوصاً در قامت نهادینه شده نظام سیاسی جمهوری اسلامی و کارگزاران سیاه و سپید و خاکستری‌اش، سویه دیگر ناامیدی زودرس و تحمیلی بر بخش‌هایی از جامعه است. در این میان نظام رسانه‌ای کشور خصوصاً آنچه رسمیت و انتساب مطلق به نظام یافته است هنوز نتوانسته بطور کامل از دور امیدستایی و امیدستیزی بدرآید و آرایش امیدساز بگیرد^۱. فوری‌ترین و فراگیرترین دستگاه امیدساز و امیدآفرین این رسانه (ها) هستند که نیازمند ارتقاء و تحول در نظم اطلاع‌رسانی، برنامه‌سازی، مخاطب‌شناسی و حتی حقوقی و تعاملی هستند. انفعال خبری در بحران‌ها و چالش‌های گوناگون، فقدان روایت داستانی از امید به آینده در عرصه نمایشی، غفلت از مخاطبان خاکستری و ناامید، و غلبه رضایت و تریبون‌داری همه دستگاه‌ها و مجریان بر حرفه‌ای‌گرایی و... در رسانه‌های رسمی، مانع نیل به رسانه امید و جهاد امید در رسانه است. اما اینکه چگونه می‌توان با صدای مردم بودن، و در عین حال تصویر ارزش‌ها و حقایق بودن، تحریف‌زدایی و امیدسازی نمود، خود معادله‌ای پیچیده است لکن می‌دانیم اگر مخاطبان رسانه رسمی را بیشتر در فرایند حل مسائل واقعی و موضوعات مورد اعتراض ببیند تا مشغول پروژه آرامش و آرام‌نمایی، وارد فرایند ترمیم اعتماد شده‌ایم و اگر اعتماد به رسانه ترمیم شد، بخش مهمی از جریان تحریف و ترور امید ناکام می‌ماند.

۱. گاهی پخش یک خبر ضعیف و کمتر موثّق، در مردم ایجاد یأس می‌کند. گاهی یک خبر واحد را دو گونه می‌شود داد: مثلاً خبر تجهیزات آمریکایی یا تجهیزات اسرائیلی را می‌شود به‌گونه‌ای داد که مردم انگیزه پیدا کنند که با آن به مقابله برخیزند؛ همان خبر را می‌شود طوری داد که مردم احساس کنند که نمی‌شود دست از پا تکان داد و اصلاً هیچ حرکتی نمی‌شود کرد. پس نحوه دادن خبر باید امیدبخش باشد (۱۳۹۸/۱۱/۱۵).

۵. نئولیبرالیسم و دست‌فرمان حاکم بر دولت‌های مدعی توسعه، آزادسازی، خصوصی‌سازی و رهاسازی اقتصاد، به طور پاندمیک ناامیدساز است، خصوصاً برای طبقه متوسط پایین و محرومان جامعه، منتفی شدن مطالبه عدالت در دولت رفاه و ولنگاری آرمان‌گروه‌های منظم، تخدیر کارگران با مصرف و سرگرمی و فردی‌سازی حداکثری جامعه، حتی اگر فقط به معنای روان‌شناختی امید توجه داشته باشیم، آنقدر نافذ هست که ما عصر نئولیبرال را عصر ناامیدی بدانیم. اما اصل ماجرا به ایده رقابت مربوط است. ویلیام دیویس نویسنده کتاب لیبرالیسم در روزگار نئولیبرال می‌گوید، نئولیبرالیسم رقابت را مهم‌ترین و باارزش‌ترین خصیصهٔ کاپیتالیسم می‌داند. دلیل ساده‌ای برای این موضوع متصور است: «در فرایندهای رقابتی می‌توان مشخص کرد که چه کسی و چه چیزی باارزش است. آن‌طور که فردریش‌هایم می‌گوید، رقابت «فرایند کشف» است. در نبود رقابت سازمان‌دهی شده یا یک دیدگاه کوتاه‌بینانه وجود خواهد داشت که از سوی متفکران و برنامه‌ریزان تحمیل می‌شود (مشکل سوسیالیسم) یا تنافر الفاظی نسبی‌گرایانه خواهیم داشت که در آن همه به دنبال از میدان به در کردن دیگری خواهند بود (مشکل دموکراسی). این موضوع نشان‌گر ضرورت برنامه‌ریزی مناسب و نظارت بر روی رقابت‌هاست. قدرت حسابرس‌ها، رتبه‌بندی‌ها، مربیان، تکنیک‌های انگیزشی، و سمبل‌های ورزشی در فرهنگ امروزی مبین همین موضوع است^۱. در مغناطیس رقابت و تمایز، هرچند این ایده پایانی ندارد اما همواره گروهی محروم و نابرخوردارند تا گروهی اندک موفق باشند. انسان

1. Davies, William, et al. (2017) *Liberalism in Neoliberal Times: Dimensions, Contradictions, Limits*. MIT Press.

در این جامعه همواره با تهدید شکست و لزوم آغازی دوباره اما لنگان لنگان مواجه است لذا بیش از هر زمان دیگر ناامیدی ساختاریافته ناشی از ناکامی‌های قبلی در کورس موفقیت و مسابقه مصرف ما را همراهی می‌کند، هرچند هوس و سودای موفقیت در رقابت پسین هم، القا شود. ۶. چهل سالگی در بیم و امید، محصول دغدغه و ترجمان تلاش هسته افکار عمومی و تغییرات اجتماعی مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام و نیز هسته ارتباطات سیاسی دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات است که در آستانه چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی با دعوت، بحث و گفتگو با دلسوزان و صاحب نظران شکل گرفت. در اثنای گفتگوها و بحث‌ها مشخص شد دکتر حامد حاجی حیدری معتقد است از آن جا که امید، یک ساخت اجتماعی است، شکل‌گیری و افول آن را نیز باید با توجه به ساختارها، روابط و نظامات اجتماعی در نظر گرفت. وی، با عنایت به تقسیم کار به عنوان تقریر بسیاری از نظریات کلاسیک جامعه‌شناسی و اقتصاد از جامعه مدرن، و برهم خوردن نظم معمول تقسیم کار با ظهور ماشین‌ها و ربات‌ها، مسئله ناامیدی به عنوان مسئله‌ای جهانی که نظام اجتماعی و اقتصادی جهان را تحت تأثیر قرار داده است صورت‌بندی می‌نماید. دکتر اصغر افتخاری^۲ بیان می‌کرد که بر اساس تفاوت‌ها و تمایزهای قدرت سیاسی و قدرت اجتماعی، با بررسی کارنامه ۴۰ ساله انقلاب اسلامی در استفاده از این دو نوع قدرت،

۱. مدرس جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، نویسنده کتاب‌های «تدارک نظری برای بررسی نظری مسائل ایران»، «بیست و چهار تز در بازخوانی ابرکت‌های ساخت اجتماعی واقعیت» و...

۲. استاد جامعه‌شناسی سیاسی، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق علیه السلام و متخصص حوزه‌های قدرت نرم، امنیت پژوهی و مطالعات راهبردی.

متوجه خواهیم شد علی‌رغم بهره‌گیری مناسب و مطلوب از قدرت اجتماعی در ابتدای انقلاب اسلامی، رفته رفته استفاده از قدرت سیاسی بر آن غلبه پیدا کرده و ادامه پیدا کردن این روند باعث شده تا در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی عرصه‌های مختلف (از جمله امنیت) توسط قدرت سیاسی تسخیر شده و فرصت و زمینه برای مشارکت عموم مردم در بسیاری از عرصه‌ها گرفته شده است. این پدیده کاهش مشارکت اجتماعی نیز علاوه بر افزایش هزینه‌های حکمرانی می‌تواند فاصله میان حکمرانان و نیروهای اجتماعی را افزایش دهد. پیشنهاد راهبردی وی تکیه بر تجارب ارزشمند بهره‌مندی از قدرت اجتماعی و حرکت به سمت بهره‌مندی از قدرت اجتماعی برای حل مسائل در حوزه‌های مختلف (از امنیت گرفته تا فرهنگ) است. دکتر سینا کلهر^۱ نیز می‌گفت برای ارزیابی دقیق و واقعی از وضعیت امید، نمی‌توان به تک گزارش‌ها اکتفا نمود، بلکه باید تصویری چند بعدی از وضعیت و در طی زمان از جامعه ایرانی را مورد بررسی قرار داد تا وضعیت روشن شود. به زعم وی وضعیت نگاه تردیدآمیز جامعه به حاکمیت و همچنین کاهش اعتماد عمومی در یک سیر زمانی ترسیم و نقاط عطف تأثیرگذار بر این روند قابل احصاء است. حسین دهباشی^۲ اما معتقد است گفتمان‌های مختلف سیاسی، در مقاطع گوناگون اقدام به بیان

۱. مدیر کل اسبق مطالعات فرهنگی و اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مدرس دانشگاه و صاحب‌نظر حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی.

۲. تاریخ‌نگار، فعال رسانه‌ای و مستندساز، که به ساخت مستند انتخاباتی حسن روحانی در سال ۹۲ مشهور است اما مسئولیت اصلی وی در پروژه تاریخ شفاهی کتابخانه ملی ایران بوده است که در آن به مستندسازی و ثبت تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی تا کنون پرداخته است. همچنین وی در برنامه‌های اینترنتی «خشت خام» در قسمت‌های متعدد با مصاحبه با چهره‌های شناخته شده و حتی فراموش شده تاریخ انقلاب برای این مهم تلاش کرده است.

شعارها و یا تغییر سیاست‌های کلان و اجرای ایده‌هایی برای حل مشکلات نموده‌اند که شکست هر کدام از آن‌ها ضربه‌ای جبران‌ناپذیر به امید جامعه ایرانی است. این در حالی است که بسیاری از ایده‌ها و سیاست‌ها در طی چهل سال گذشته بارها آزمون شده و هر بار به شکست انجامیده، اما این شکست‌ها به دلیل تبدیل نشدن به تجربه تاریخی و انتقال به نسل‌های بعدی کنشگران سیاسی و اجتماعی مجدداً تکرار شده و همین امر یکی از عوامل مهم سرخوردگی گفتمان‌ها و ایجاد ناامیدی در جامعه است. دکتر پرویز امینی^۱ هم ناامیدی در سطح جامعه را یک ساخت اجتماعی می‌داند که قطعاً عوامل مختلفی در افزایش آن در برهه چهل سالگی انقلاب اسلامی نقش داشته‌اند. لذا در مقام ریشه‌یابی و علت‌شناسی، ضمن بحث از سطوح مختلف عوامل گسترش ناامیدی، سطح میانی عوامل مختلف تأثیرگذار به تفصیل مورد توجه و تفسیر است. دکتر محمدرضا جوادی یگانه^۲ نیز به دنبال عوامل اجتماعی سازه‌ناامیدانه در برهه چهل سالگی انقلاب

۱. استاد جامعه‌شناسی سیاسی، استادیار گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد و نویسنده کتاب‌هایی نظیر «جامعه‌شناسی ۲۲ خرداد»، «الگوی رفتار انتخاباتی جامعه ایران» و... همچنین وی از جمله بنیان‌گذاران اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل سراسر کشور بوده است.

۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، که مسئولیت وی «معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران» را در زمان نشر به عهده داشته است و همچنین مدیر علمی موج سوم پیمایش ملی «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» است. حوزه‌های تخصصی وی جامعه‌شناسی تاریخی، خلیات ایرانیان، جامعه‌شناسی ادبیات و بازاریابی اجتماعی است. از جمله تألیفات وی می‌توان به کتاب‌های «ایرانی‌ترین غیر ایرانی‌ها»، «دانشنامه فتوت» و «بازاریابی تغییرات اجتماعی» اشاره کرد.

اسلامی با همه دستاوردهای عینی‌اش است. دکتر کیومرث اشترینان^۱ در این گفتگوها اذعان می‌داشت که ایده حکمرانی کشورها و ساختارهای اجرایی و حقوقی اداره کشور، نقش محوری در دستیابی به اهداف جمعی دارد. او از زاویه حقوق عمومی به آسیب‌شناسی ساختارهای حکمرانی کشور می‌پرداخت. دلیل مهم ناکامی در دستیابی به بسیاری از اهداف، ناکارآمدی ساختاری یا به تعبیر دیگر «خود تخریبی سیستماتیک نهادی» بوده است. وی پس از بررسی مفهومی برخی آسیب‌های نهادی جاری در ساختار کشور، به نقد قوا و نهادهای کشور پرداخته و در نهایت اصلاح تکامل‌گرایانه قانون اساسی و دانش‌افزایی و مهارت‌افزایی را دوراهکار اصلی برون رفت از این وضعیت برمی‌شمرد. دکتر نادر جعفری هفت‌خوانی^۲ نیز نشان داد فارغ از نقدهایی که به شاخص‌های بین‌المللی در حوزه‌های مختلف وارد است، از مقایسه رتبه ایران در دو شاخص «توسعه انسانی» (HDI) و «شاخص جهانی خوشبختی» می‌توان نتیجه گرفت جمهوری اسلامی در طی دوران گذشته نتوانسته است تصویری مطابق با واقع از دستاوردهای خود به مردم منتقل کند. وی با توجه به ظرفیت‌های ادبیات بازاریابی سیاسی، «بازاریابی خوشبختی» را به عنوان وظیفه دولت‌ها نه تنها در حین انتخابات، بلکه در طی دوران حضور در قدرت خود دانسته و برای کاهش ناامیدی و افزایش خودباوری ملی پیشنهادهایی دارد. دکتر محمد

۱. صاحب‌نظر سیاست‌گذاری عمومی و عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران که از جمله سوابق اجرایی وی می‌توان به دبیری کمیسیون اجتماعی هیئت دولت از سال ۹۲ اشاره کرد.

۲. عضو هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (ع). حوزه‌های تخصصی وی عبارتند از: سیاست‌گذاری عمومی در فرهنگ و ارتباطات، جامعه‌شناسی سازمان و بازاریابی سیاسی.

فاضلی^۱ نیز به بحران حکمرانی در چهل سالگی انقلاب اسلامی اشاره می‌کند که عمدتاً ناشی از مقاومت سلبی یا ممانعت گروه‌های مختلف برای اتخاذ تصمیمات سخت در فضای حکمرانی جمهوری اسلامی است. محمدرضا کوهکن^۲ نیز به ما نشان می‌دهد در منطقه پراکندگی جنوب غرب آسیا، و در میانه تنازع قدرت‌های منطقه، نمی‌توان ساخت «امید» را تنها معلول عوامل داخلی دانست، بلکه روابط قدرت در منطقه قطعاً بر رضایت سیاسی و ادراک از آینده شرایط اجتماعی داخلی ایران تأثیرگذار است. وی می‌کوشد پس از مقایسه نگرش مردم جهان عرب به ایران و دیگر کشورها، به بررسی و نقد عملکرد جمهوری اسلامی در عرصه دیپلماسی عمومی بپردازد. پرهام روشنائی^۳ توجه ما را به نقش چهره‌های مشهور (سلبریتی‌ها) و کنشگران مهم شبکه‌های اجتماعی (اینفلوئنسرها) جلب می‌کند. وی با تحلیل گفتمان پیام‌های منتشر شده توسط این کنشگران، به تحلیل نقش آن‌ها در بازتولید ناامیدی پرداخته و در ضمن تحلیل دال‌های مرکزی پیام‌های مختلف، به لایه‌های گفتمانی اشاعه ناامیدی اشاره دارد. محمد جواد بادین فکر بیان می‌دارد که رسانه‌ها همواره عامل پیشران در تغییرات اجتماعی و فرهنگی بوده‌اند. همچنین رسانه‌های جمعی همواره در ارتباط سیاسی نقش وساطت میان حاکمیت و ملت را بر عهده گرفته و این دورا به یکدیگر متصل کرده‌اند. وی با تبیین نقش و کارکرد رسانه‌ها در ارتباطات سیاسی و با پاسخ دادن به این سؤال که «نقش و کارکرد رسانه‌ها در مواجهه با امر

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی و مشاور وزارت نیرو.

۲. دانشجوی دکتری معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

۳. دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات در دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

۴. دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

سیاسی و ساختار اجتماعی چیست؟» به آسیب‌شناسی رسانه حاکمیت یا «جریان اصلی»^۱ جمهوری اسلامی ایران یعنی صداوسیما پرداخته است. وی با ارائه آمارهایی از پیمایش‌های ملی و منطقه‌ای نشان داده که چگونه سیما (شبکه‌های تلویزیونی داخلی) ضمن خدمات و فعالیت‌های عدیده، در تخریب اعتماد نهادی به رسانه و بالتبع امید و رضایت ملی نسبت به حاکمیت اثرگذار بوده‌اند. او سپس به عوامل اصلی این تخریب اعتماد و اعتبار نهاد رسانه از جمله: سیاست‌گذاری خبری، تأخیر و عقب افتادن از فضای مجازی در پوشش اخبار، رونق کم‌رنگ نرم‌خبر در بخش‌های خبری، عدم کنشگری مؤثر در فضای مجازی و عدم مخاطب‌سنجی هدفمند اشاره می‌نماید. علیرضا بابایی^۲ در یک پژوهش فوری^۳ نشان می‌دهد شرایط اجتماعی کنونی چگونه به تمایل مردم به فرهنگ «شانس» (و البته گاهی شرط‌بندی و قمار و قرعه) به اقبال بسیاری از مردم به جوایز و قرعه‌کشی‌های تلویزیونی منجر شده است؟ این سؤالی است که پاسخ آن به همراه نقش رسانه ملی به مثابه متولی اصلی بازتولید «امید» بررسی می‌شود. نوید عمیدی مظاهری^۴ هم معتقد است امید و ناامیدی جامعه، عارضه‌ای است که در دهه چهارم انقلاب اسلامی درباره آن بسیار سخن گفته شده است. کاهش سرمایه اجتماعی جمهوری اسلامی در برخی حوزه‌ها از سویی و از سوی دیگر تخریب گسترده امکانات و سرمایه‌های مادی و معنوی جامعه توسط نیروهای داخلی (تضعیف) و خارجی (تخریب) امیدواری و گسست

1. Mainsream

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی توسعه دانشگاه شیراز

3. quick research

۴. دانشجوی دکتری دانش اجتماعی مسلمین دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

اجتماعی را بیش از پیش مورد توجه قرار داده است. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب گفتمان امیدواری و ناامیدی را مورد توجه قرار داده و ابعاد مختلف آن را مورد واری قرار داده‌اند. به نظر می‌رسد نگاه‌های مردم و کارگزاران نیز به دنبال آن در دورویکرد امیدآفرین به پرچم‌داری رهبری و رویکرد ناامیدانه، توزیع گردیده است. رویکرد ناامیدکننده به سه دسته تقسیم می‌شود: گروهی با عنوان امیدواری «توجیه‌گران» عملکرد دیروزین جمهوری اسلامی در گذشته ۴۰ ساله می‌شوند. این گروه در نهایت با نادیده گرفتن مشکلات تنها به توجیه‌گری پرداخته که در نهایت عاملی برای از بین بردن سرمایه اجتماعی و اصلاح‌گری می‌شود. گروه دوم «خوشبینان» که وضعیت مطلوب امروز را بدون مشکل و معضل دانسته و هرآنچه از مشکلات امروزی گفته می‌شود را به بیرون از مرزها و هجمه رسانه‌ای غرب می‌دانند. این گروه نیز عملاً زمینه ناامیدی جامعه را فراهم می‌آورد. اما گروه سوم «فاقدان امید موجه به فردا» هستند. این گروه نمی‌توانند مسیری روشن و مطابق با واقع را در آینده متعین نمایند. در نهایت نگاه رو به جلو و امیدآفرین‌نگاهی است که مقام معظم رهبری خود در بیانیه گام دوم آن را ترسیم کردند. این نگاه دارای سه ویژگی «منتقد و مفتخر نسبت به گذشته»، «واقع بین نسبت به حال»، «امیدوار و مسئول نسبت به آینده» است.

در این کتاب که بخش مهمی از آن در قالب گفتارهای همکاران دانشگاهی تنظیم شده است، رصد میدانی تحولات سرمایه اجتماعی کشور و تمرکز بر دیدگاه و خط‌مشی‌های رهبر فرزانه انقلاب اسلامی مبنی بر امید و «نگرش به آینده در افکار عمومی همواره مورد تهدید ایرانیان» مد نظر بوده است. البته دیدگاه‌هایی مطرح گردیده که خود موضوع مناقشه و محل تأمل و بهترین بهانه برای بحث از نظم مطلوب سرمایه اجتماعی نظام در گام دوم است،

لذا طبیعی است که هر گفتار و هر موضع مخالفان و منتقدانی داشته باشد اما پیغام این وجیزه، گفتگو و فحص تخصصی و نه جنجال و تخریب در چنین موضوعات حیاتی است که بحمدالله با نشر اثر در انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ممکن و تسهیل گردیده است. جا دارد از همکارانی که در این مجموعه طرح بحث کردند و دانشجویانم در این برنامه پژوهشی خصوصاً آقایان روشنائی، قائمی، عمیدی، بادین فکر، کوهکن و بابایی قدردانی نمایم. همچنین از همراهان سلسه نشست‌های چهل سالگی در بیم و امید که در تهیه و تنظیم متون اولیه کمک کردند از جمله آقایان امیرحسین عرب‌پور و مهدی اکبری تشکرمی‌کنم. بدون پشتیبانی خالصانه مرکز رشد دانشگاه که همواره خط شکن مصاف اندیشه و نظر در زیست بوم مسائل نظام ج.ا.ا بوده است، این برنامه و این کتاب متولد نمی‌شد. آرزوی بقای توفیق و اثربخشی این مرکز را دارم و از خوانندگان محترم تقاضا دارم ما را از نقد و تکمله و اندیشه خود محروم نسازند^۱.

سید مجید امامی^۲

پاییز ۱۳۹۹

1. s.m.emamy@isu.ac.ir

۲. استادیار دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه السلام و مدیر گروه روان‌شناسی اجتماعی مؤسسه تحقیقات و مطالعات اجتماعی دانشگاه تهران

مسئله‌ناامیدی،
جهانی یا ایرانی؟

مقدمه

تشییع پیکر شهید حججی زنگ خطری بود برای آن دسته از روشنفکرها و آکادمیسین‌هایی که معتقد به از بین رفتن سرمایه اجتماعی و امید در جامعه ایران هستند. این در حالی است که بیش از پنج سال، سیاست‌های جمهوری اسلامی و رهبران جمهوری اسلامی در مورد سوریه تخریب شده است. واقعیت آن است که این وضعیت کاملاً سیاهی که دانشگاهیان ترسیم می‌کنند^۱ مبنی بر اینکه تأثیر فعالیت رسانه‌های خارج کشور را زیاد می‌دانند، آن چنان واقع‌بینانه نیست. در واقعه تشییع جنازه شهید حججی، تشییع جنازه‌ای در مشهد انجام شد و همچنین در تهران شاهد تشییع چهار کیلومتری بودیم. سپس در اصفهان و نجف‌آباد یک تشییع جنازه باشکوه صورت پذیرفت. با این حساب یکی از آسیب‌های مسئله امید در جامعه ما روشنفکران هستند.

۱. به عنوان مثال رجوع کنید به مناظره عبدی و شجاعی‌زند درباره "ابرواقعیت فروپاشی جامعه ایران". عصر اندیشه. ۱۴۰۰. به نشانی:

روشنفکران در ایران دائماً اعلام وضعیت قرمز می‌کنند؛ این در حالی است که وضعیت جامعه قرمز نیست!

عباس کاظمی در یک پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد با عنوان «جامعه‌شناسی روشنفکری دینی در ایران»^۱ توضیح می‌دهد که روشنفکری، به رغم روحانیت، تریبون کمتری دارد؛ یعنی مثلاً در روزنامه مطلب می‌نویسد ولی چه کسی می‌خواند؟ در کانال تلگرامی مطلب منتشر می‌کند اما چه کسی آن کانال را می‌بیند؟ به عنوان مثال وقتی که آقای اصغرزاده سخنرانی می‌کنند، حداکثر ده نفر در جلسه شرکت می‌کنند ولی وقتی که آقای زیباکلام برای سخنرانی می‌روند، افراد بسیار زیادی حاضر می‌شوند. چرا که آقای زیباکلام حرف‌های عجیب می‌زند. چرا یک روحانی هیچ وقت از این جنس سخنان ارائه نمی‌کند؟

یک روحانی هر روز فرصت دارد که پنج بار با مردم سخن بگوید: نماز صبح، بین دو نماز ظهر و عصر، نماز مغرب و عشا. هر فرصتی که باشد گفت‌وگو می‌کند؛ اصلاً محدودیتی هم ندارد. روحانیت بحث‌های سیاسی‌اش را تنگ نمی‌کند و هر جا که موقعیتی به دست آورد مطرح می‌کند؛ به عنوان مثال آقای شجونی در مسجد فخرآباد عمامه خود را به زمین کوبید که دولت اصلاحات می‌خواهد حکومت را سرنگون کند! روحانیت نیازی هم نمی‌بیند که بعد از مدت‌ها که فرصت پیدا کرده حرف‌های عجیب بگوید. آقای زیباکلام، سالی پنج بار در مرکز توجهات قرار می‌گیرد و بقیه فرصت‌ها را یا اجازه نمی‌دهند، یا دعوت نمی‌کنند یا فرصت نمی‌شود. در همان پنج یا شش بار برای اینکه همه نگاه‌ها به او جلب شود، حرف‌های عجیب می‌زند.

۱. این رساله در سال ۱۳۷۸ دفاع شده است اما در اواخر سال ۱۳۸۳ در قالب کتاب و در انتشارات طرح نو منتشر شد.

روشنفکری بحران تریبون دارد؛ بنابراین حرف‌های عجیب می‌زند. یک بخش از این حرف‌های عجیب، خصومت برمی‌انگیزد و ناراحتی ایجاد می‌کند؛ به دیگران پرخاش می‌کند؛ حرف‌های بد می‌زند. یک روحانی حرف‌های بد نمی‌زند؛ نرم حرف می‌زند. یک روشنفکر اروپایی، به دلیل اینکه تریبون ثابت و خواننده‌های ثابتی دارد، حرف‌های عجیب نمی‌زند ولی روشنفکر ایرانی (از مشروطه تا الان) حرف‌های عجیب می‌زند؛ مردم را عصبانی می‌کند و باعث می‌شود که مردم به او پرخاش کنند.

سلبریتی‌ها نیز مسیر روشنفکران بعد از مشروطه را می‌روند؛ به این معنا که چون می‌خواهند دیده شوند و مشکل تریبون دارند، چیزهای عجیب می‌گویند و کارهای عجیب می‌کنند؛ این در حالی است که سلبریتی‌های بقیه کشورها از این جنس کارها نمی‌کنند.^۱

با این حال بحثی که نگارنده در پی طرح آن است، در مورد یکی از خاستگاه‌های مهم ناامیدی در ایران است که ریشه‌ای جهانی دارد. بخشی از ناامیدی که همواره وجود داشته، یک سویه منفی را در فرهنگ عامه ما تقویت کرده است. یعنی سرمایه‌داری شرایطی را از ۱۹۹۷ به وجود آورده که ما هنوز آن را تجربه نکرده‌ایم و وضعیت ایران در مواجهه با کشورهای غربی در این زمینه خیلی مطلوب‌تر است.

تفاوت میان امید فردی و اجتماعی

در سمیناری که انجمن جامعه‌شناسی در مورد امید اجتماعی در دانشگاه

۱. به عنوان مثال نگاه کنید به کلیپ کمپین دعوت «لئوناردو دیکاپریو» و «برد پیت» برای دعوت مردم ایالات متحده برای حضور در انتخابات ریاست جمهوری. اقتصاد آنلاین. ۱۴۰۰. به نشانی:
<https://www.eghtesadonline.com/n/1Z3Z>

علامه برگزار کرد^۱، یک ایده درخشانی مطرح شد. خانم دکتر میترا عظیمی که عضو هیئت علمی دانشگاه علامه هستند، ایده‌ای را مطرح کرد^۲ مبنی بر اینکه یک شکافی بین امید فردی و امید اجتماعی وجود دارد.

دکتر میترا عظیمی اشاره می‌کند یک مطالعه‌ای درباره تحلیل وب سایت پربیننده زومیت^۳ انجام شده است. افرادی که صفحه موفقیت شخصی و پیشرفت شخصی دارند و پیشرفت شخصی یا کارآفرینی وب سایت زومیت را پیگیری می‌کنند، عمدتاً افرادی هستند که امیدهایشان را در درونشان جست و جوی می‌کنند و با محیط اجتماعی خود، یک شکافی دارند. ماجرا این است که این افراد در درون خود بسیار امیدوارند ولی زمانی که وارد مشارکت اجتماعی می‌شوند، انگیزه‌های کمتری دارند.

در فضای دانشگاهی هم این گروه انگیزه‌های بسیار بالایی دارند کشورهای دیگر را امتحان کنند تا شاید آنجا موفق باشند. به همین دلیل بین دانشجویان همیشه یک مسئله مهمی که وجود دارد، این است که «به کدام کشور برای گرفتن پذیرش، پروپوزال ارسال کنم؟!»، در واقع معتقد هستند که با توانمندی‌های بالایی که دارند، کشور ایران برایشان تنگ است. البته آن طرف هم که می‌روند، متوجه می‌شوند که همه جا همینطور است.

آمارهایی که درباره میزان افسردگی وجود دارد نشان می‌دهد که ایران به لحاظ افسردگی حاد (که یکی از شاخص‌های تهدید است و می‌تواند با

۱. همایش «امید اجتماعی در ایران» در اسفند ۱۳۹۶ توسط انجمن جامعه‌شناسی ایران در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی برگزار شد.

۲. رک پایگاه خبری عطنا. ۱۴۰۰. «امید اجتماعی آرزوآندیشی یا توهم نیست.» به نشانی:

<https://www.atnanews.ir/archives/175217>

3. www.zoomit.ir

شاخص‌های ناامیدی مرتبط باشد)، وضعیت متوسطِ روبه بالایی دارد؛ یعنی وضع مردم ایران شبیه ژاپن نیست ولی با فرانسه که ۲۵ درصد افسردگی دارد، فاصله زیادی دارد.^۱

ترسیمی که تیم آقای لاریجانی و آقای روحانی از وضعیت امید و بحران ناامیدی می‌کنند^۲، به گونه‌ای است که شاخص‌ها آن را نشان نمی‌دهد. یک جوان ایرانی در مقایسه با یک جوان فرانسوی، بسیار کمتر در معرض افسردگی حاد قرار دارد. آماري که وزارت بهداشت اعلام کرده این است: هفت درصد در ژاپنی‌ها و ۲۱ درصد در فرانسوی‌ها بوده و در میان مردان ایرانی، ده درصد افسردگی حاد وجود دارد؛ البته در میان زنان ۱۶/۸ درصد است.

پیمایش دیگری وجود دارد که پیمایش اقتصادی و اجتماعی ملل متحد در سال ۲۰۰۸ است. آنجا اصلاً عنوان گزارش سالانه را «فائق آمدن برنامه‌های اقتصادی» گذاشته‌اند.^۳ این، مربوط به سال ۲۰۰۸ است؛ یعنی موج دوم آشفتگی اقتصادی عظیم، سال ۱۹۹۷، سال ۲۰۰۸ و سال ۲۰۱۶. برای فهم بیشتر پیمایش فوق ابتدائاً لازم است سه زمینه شکل‌گیری ناامیدی جهانی را تبیین کنیم.

۱. شیوا دولت آبادی رئیس انجمن علمی روان‌پزشکان ایران در مرداد ۱۳۹۸ با اشاره به شیوع ۱۲.۵ درصدی افسردگی در جامعه گفت: دو سوم این افراد افکار خودکشی دارند و ۱۵ درصد آن‌ها اقدام به خودکشی می‌کنند.

<https://b2n.ir/844438>

۲. آقای لاریجانی سال ۸۴ شعارش امید بود و آقای روحانی شعارش در سال ۹۲، تدبیر و امید بود.
۳. این پیمایش با عنوان "Overcoming Economic Insecurity" در سال ۲۰۰۸ منتشر شده است.

۱. ماشینی شدن و تغییر الگوی تقسیم کار

در سال ۱۹۹۰، ماشین‌ها (به ویژه ماشین‌های دیجیتال) کاربرپسند^۱ شدند. سقبل آن هم در سال ۱۹۹۸، شکل‌گیری یاهو و گوگل است. این ماشین‌های کاربرپسند می‌توانستند جای آدم‌ها را در بسیاری از مشاغل بگیرند. بسیاری از مشاغل در حال از بین رفتن است و کسی نمی‌تواند برای آینده برنامه‌ریزی کند. من در زندگی خود، مدیر دفتر یا منشی می‌شوم؛ چون همه کارها را گوگل انجام می‌دهد. متن یک کتاب را به صورت دست‌نویس دارید؛ آن را در گوگل درایو آپلود می‌کنید؛ با گوگل وب که آن را باز می‌کنید، تاپش می‌کنید. کارهای روزمره را google task تنظیم می‌کند. افراد دیگر نیازی به منشی و نویسنده ندارند. کتابدارهای دانشگاه تهران یک به یک در حال بیکار شدن هستند؛ چراکه دیگر کسی به کتابخانه مراجعه نمی‌کند؛ زیرا در لپ‌تاب تک تک دانش‌جویان، بیش از موجودی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتاب وجود دارد.^۲ هر کتاب جدید اینترنتی را در همین سایت روسی که مخصوص کتاب دزدی است، می‌توان پیدا کرد. به قول دکتر جلالی پور: «زمانی که ما می‌خواستیم پایان‌نامه بنویسیم، تا ساعت یازده شب در کتابخانه بودیم. ایشان می‌گفت که از دانشجوی دکتری خودم پرسیدم: برفرض که اینجا کتاب نمی‌خوانید، کتاب‌های کاغذی خودتان را بیاورید که من بینم. آن‌ها دیگر اصلاً کتاب کاغذی نمی‌خوانند».

در فرمول‌های اقتصادی (که تمام پایه‌های علوم انسانی جدید، برپایه آن‌ها قرارداد شده است)، براساس ایده تقسیم کار اجتماعی آدام اسمیت،

1. User friendly

۲. به عنوان مثال سایت روسی libgen.is تا کنون بیش از دو میلیون کتاب قابل دانلود را ارائه می‌کند. رک libgen.is